

مالک اشتر نخعی (رحمه الله عليه)

<"xml encoding="UTF-8?">



شهادت مالک اشتر

خبر استانداری مالک بر مصر برای معاویه مایه عذاب بود. معاویه به مردم شام گفته بود از خدا بخواهند تا شر مالک را از سرشان دفع کند و مردم شام بعد از هر نماز علیه مالک اشتر دست به نفرین برمی داشتند. از سوی دیگر معاویه فوراً نامه ای برای کارگزار ناحیه قلزم، به نام مریش نوشت: اشتر استاندار مصر شده است. اگر شر او را از سر من دفع کنی تا وقتی که زنده ای و مامور مالیات آنجا هستی، هیچ خراجی از تو نمی گیرم. مالک وقتی به قلزم رسید، آنجا را مکان مناسبی برای فرود آمدن یافت و دستور داد افراد در آن محل استراحت کنند. کارگزار خراج قلزم هم به نزد مالک شتافت و با لحنی چاپلوسانه گفت: یا امیر! در این منزل خوراکی و علوفه فراوانی برای سربازان و اسبان یافت می شود. در همین جا بمان و استراحت کن، تا تازه نفس به مصر وارد شوی. او مقداری غذا به همراه ظرف شربت عسل آمیخته به زهر را به نزد مالک آورد. مالک پس از صرف غذا از آن شربت نوشید ساعتی بعد مالک در حالی که از شدت درد به خود می پیچید، گفت: «تقدیر نخواست که به شهر فراعنه قدم بگذارم». و سپس برای همیشه سکوت کرد و به شهادت رسید. شهادت وی در سال 38 هجری بود و جنازه وی را از قلزم به مدینه حمل کردند و در آنجا دفن نمودند.

اندوه حضرت علی (علیه السلام) از شهادت مالک

هنگامی که خبر شهادت مالک را به امام علی (علیه السلام) دادند، امام فرمود: مالک، چه بود مالک؟ سوگند به خدا اگر کوهی بود، کوهی بی همتا و یگانه بود. اگر صخره ای بود، صخره ای سخت و محکم بود. هیچ رونده ای بر قله بلند آن نمی رسید و هیچ پرنده ای توانایی رسیدن بر فراز آن را نداشت.

به خدا سوگند که مرگ تو عالمی را ویران می کند. بر مردی مانند مالک باید گریه کنندگان بگریند. ما از خدا هستیم و به سوی او باز می گردیم و ستایش و حمد برای خداوند است که پروردگار جهانیان است. خداوند! مصیبت مالک را نزد تو به شمار می آورم؛ زیرا مرگ از مصیبت های روزگار است.

خدا مالک را پیامرزد که به عهد خود وفا کرد و مدتش را به پایان رسانید و پروردگار خود را ملاقات کرد با این که خود را متعهد کرده بودم پس از مصیبت رسول خدا (صلی الله علیه وآله) در برابر هر مصیبتی شکیباً باشم؛ اما این از بزرگترین مصیبت هاست.

آیا زنان از نزد فرزندان مانند مالک بلند می شوند و آیا کسی مانند مالک وجود دارد؟ امیرمومنان علی (علیه السلام) با شهادت مالک اشتر مصیبتی بزرگ و جانکاه را به خود پذیرفت و با صدای بلند در غم از دست دادن او می گریست و می فرمود: این مثل مالک همچون مالک کجاست؟ «لَقَدْ كَانَ لِي مِثْلُ مَا كُنْتُ لِرَسُولِ اللَّهِ؛ او برای من همان گونه بود که من برای رسول خدا بودم.»

نشانه های اندوه و ماتم در سیمای ملکوتی اش آشکار بود و پیوسته اظهار تاسف می نمود و می فرمود: خدا به مالک خیر دهد، چه شخصیتی بود مالک!

مالک اشتر از نگاه امیر مومنان علی علیه السلام

در بیانی علی (علیه السلام) نسبت مالک به خود را نسبت خویش به پیامبر می داند، یعنی همان گونه که علی (علیه السلام) برای پیامبر برادر، جانشین، وصی، وزیر و دیگر عبارات بوده است، مالک نیز چنین است. حال در اینجا به صورت فهرست وار برخی از اوصاف را که علی (علیه السلام) درباره مالک اشتر فرموده اند، بیان می کنیم:

- 1- در روزهای ترسناک و ایام خطر به خواب نمی رود و هوشیار است.
- 2- از دشمنان به هنگام بیم و هراس، نمی ترسد و فرار نمی کند.
- 3- او شمشیری از شمشیرهای خداست که تیزی و برندگی آن کند نمی شود.
- 4- بر بدکاران و ستم پیشگان از آتش سخت تر است.
- 5- قدرت مهار کردن دشمن را به طور کامل دارد.
- 6- از کسانی نیست که بیم سستی و لغزیدن در او باشد.
- 7- از کسانی نیست در جایی که باید شتاب و سرعت داشته باشد، کندی کند یا در حالی که باید کندی و تأمل کند، سرعت به خرج دهد.

8- مالک از برای من چنان بود که من برای رسول خدا (صلی الله علیه و آله) بودم.

مالک اشتر از دیدگاه دیگران

1- پیامبر گرامی اسلام (صلی الله علیه و آله) مالک اشتر را مومن می خواند در حضور پیامبر (صلی الله علیه و آله) از مالک اشتر نام برده شد پیامبر فرمود: «انه المومن حقا». پیامبر در جای دیگر در جریان دفن کردن ابوذر در ربه فرمود: افراد صالح و مومنی در آن سرزمین می آیند که ابوذر را دفن کنند که بعد از سالیان هنگام وفات ابوذر، دخترش در آن بیابان مالک اشتر و تعدادی از همراهان را می بیند که مالک اشتر بر ابوذر نماز خواند و او را دفن کردند.

2- ابن ابی الحدید در شرح نهج البلاغه می نویسد: زنده باد مادری که همچون اشتر فرزندی بزاد. اگر کسی سوگند یاد کند که در تمامی عرب و عجم، خداوند مردی به دلاوری اشتر جز استادش علی بن ابی طالب (علیه السلام) نیافریده است، گمان ندارم در سوگندش گنهکار باشد. چه نیکو گفته است آن کس که گفت: چه گویم درباره کسی که زندگی اش اهل شام را منهزم ساخت و مرگش اهل عراق را درهم شکست.

3- ابن شهر آشوب وقتی که می خواهد از مالک تعریف کند، او را این گونه تصویر می کند: مالک از برجسته ترین اصحاب و بهترین تابعان بود و یکی از دلدادگان به حق.

مالک زمان رسول خدا (صلی الله علیه و آله) را به خاطر داشت و شاهد دوره خلافت 25 ساله نخستین بوده است.

مالک اشتر حلیم و بردبار

مالک نه تنها یک نابغه نظامی و در دلاوری، شجاعت، مهارت جنگی و فرماندهی کم نظیر بود؛ بلکه در تمام ابعاد شخصیت انسانی در سر حد کمال بود. او از نظر زهد، عبادت و پرهیزگاری در میان پیروان و شاگردان مکتب علی (علیه السلام) نمونه بود و از نظر حلم، بردباری، خطابه و سخنوری توانا و نیرومند و همانند مولایش علی (علیه السلام) همه این کمالات را در راه ایمان و هدف خود به کار گرفته است. روزی مالک که لباسی ساده از کرباس به تن داشت، از بازار کوفه عبور می کرد. یکی از اهالی بازار به انگیزه تحقیر وی، چیزی به طرف او انداخت.

مالک که از حرکات این شخص متوجه منظور وی شده بود، خویشتنداری کرد و بدون هیچ عکس العملی به راه خود ادامه داد. یکی از حاضران که مالک را می شناخت، به آن مرد گفت: وای بر تو! هیچ دانستی او که بود که آنچنان به وی اهانت کردی؛ او مالک اشتر فرمانده لشکر مولای متقیان بود. مرد بازاری به وحشت و نگرانی افتاد و

با عجله به دنبال مالک روانه شد تا از او عذرخواهی کند در این هنگام مالک وارد مسجد شد و به نماز ایستاد. پس از نماز مرد بازاری خود را به پای او انداخت و عذرخواهی کرد مالک با متانت و ملایمت گفت: بر تو هیچ گناهی نیست. به خدا سوگند که من به آن دلیل به مسجد آمدم که برای تو استغفار و طلب آمرزش کنم.

مالک اشتر شیعه حقیقی علی (علیه السلام)

در این بخش از بررسی سیمای شیعه علی (علیه السلام) به بیان برخی ویژگی های روحی و رفتاری مالک اشتر این برجسته ترین یار و یاور علی (علیه السلام) می پردازیم. هم او که علی (علیه السلام) در بیانی کوتاه پرده از شخصیت والا و با عظمت او برداشت و همه توانمندیها و کمالات بی نهایت او را در یک جمله چنین بیان فرمود:

«كَانَ الْأَشْتَرُ لِي كَمَا كُنْتُ لِرَسُولِ اللَّهِ»
«مالک اشتر برای من همانگونه بود که من برای رسول خدا بودم»

اما خصلت ها و ویژگی های مالک:

1- ولایت پذیری و علی مداری مالک اشتر

کلید شخصیت مالک، علی مداری اوست. آنچنانکه در کوچکترین و بزرگترین تحولات، مالک را در کنار علی (علیه السلام) می یابیم، هماهنگی و همکاری و ارتباط و فرمانبرداری او را در جنگ و صلح، هجرت و جهاد، سیاست و قضاوت، عبادت و بلاغت و در مردم دوستی و خداپرستی همانگونه می بینیم که علی (علیه السلام) برای رسول خدا بود.

2- سیاستمدار و کاردان در امور مدیریت سیاسی

توان سیاسی و کاری مالک در مدیریت های کلان اجتماعی به اندازه ای است که او را حلال مشکلات حکومتی امیر قرار می دهد و بسیاری از فتنه های سیاسی با هوشمندی و تدبیر او حل می گردد. منشور حکومتی علی (علیه السلام) خطاب به او است که در نوع خود بی نظیر است.

3- فصاحت و بلاغت

بخشی از شخصیت مالک مرهون نفوذ کلام و توان بالای او در ایراد خطبه های حماسی و حرکت آفرین است که امتیازی برای اغلب انسانهای کامل و پیشواست تا بتوانند در زمان لازم روشنگر حقایق و ارزشها باشند و توده مردم را به حرکت واداشته، بسیج و هدایت نمایند.

4- اهل جهاد و هجرت

جهاد و هجرت در راه خدا، از ملاکهای ارزشیابی شخصیتها در قرآن است. اگر بگوییم همه زندگی مالک، جهاد و هجرت در راه خدا بر اساس نیاز و ضرورت جامعه اسلامی است سخنی گزاف نگفته ایم. او عقابی سبکبال برای هجرت و تیزچنگ برای جهاد تحت فرمان علی (علیه السلام) بود.

5- دشمن شناس، شجاع و با بصیرت

و در دشمن شناسی او همین بس که علی (علیه السلام) پس از شهادت او فرمود:
«ای کاش در بین شما دو نفر مانند او بودند بلکه ای کاش تنها یک نفر مثل او بود و فکر و رأیش در مورد دشمنانم همچون نظر او بود.»
در میان یاران علی (علیه السلام)، مالک از معدود افرادی بود که دشمنان و توطئه های آنان را به خوبی می شناخت و تحت هیچ شرایطی حاضر به عقب نشینی نبود و با تیزبینی، درایت و شجاعتی که داشت دشمن را به زانو در می آورد.

6- انقلابی، قاطع، سازش ناپذیر در دفاع از ارزش های اسلامی

حکومت امیرالمؤمنین (علیه السلام) یک حکومت انقلابی سازش ناپذیر است که می آید تا خط بطلانی بر «مصلحت اندیشی» و «اجتهاد به رأی» های خلافت های گذشته بکشد. حکومتی است که پای احکام اسلامی و بیت المال مسلمین که به میان می آید قاطع و سازش ناپذیر، «کتاب الله وسنه نبیه» را حجت می داند. چنین حکومتی نیاز به فرماندهی اینچنین دارد. مالک مردی است سرشناس و با نفوذ در مردم، که بسیاری از حرکت های سیاسی علیه خلیفه سوم و فرماندارانش را او طراحی نمود. تا آنجا که افشاگری های او در اعتراض به پایمال نمودن احکام اسلامی در کوفه به درگیری با حاکم کوفه و در شام به کتک زدن معاویه می انجامد و موجب تبعیدهای مکرر وی می گردد.

7- بردبار، خویشتن دار، خیرخواه مردم

مالک اشتر قهرمان است اما متواضع، پهلوان است اما مردمی، رادمرد است اما بردبار و صبور، قاطع و استوار است اما در پاسداری از احکام دین. آری! این صفت علی و یاران راستین علی بوده و هست که دوحالت متضاد قهر و حلم، قاطعیت و رافت، را در نهایت کمال آن منصفند. مالک نیز همچون مولا و مقتدایش علی (علیه السلام) در برخورد با مردم و محرومین، قلبی رئوف و مهربان و دستی نوازشگر دارد و همه تلاش او جهت سعادت و هدایت مردم به سوی نیکیها است و در این راه هیچگونه چشمداشتی ندارد. داستان اهانت آن بازاری به مالک که مقداری ته مانده سبزی به او پرتاب می کند و به او می خندد ولی او بی آنکه سخنی بگوید به مسجد رفته برای آن مرد طلب آمرزش نموده و از خداوند اصلاح او را طلب می نماید. نمونه ای از حلم و بردباری شیعیان راستین علی (علیه السلام) است. تعریف و توصیف مالک خارج از آنست که در این چند سطر نوشته است اشاره مینمائیم.

امام علی (علیه السلام) میفرماید: یکی از بندگان خدا را بسوی شما (برای حکومت) روانه کردم که در روزهای خوفناک نمی خوابد و در ساعات وحشت و اضطراب از برابر دشمن بر نمیگردد و بیمناک نشود و بر بدکاران از سوزاندن آتش سخت تر است و او مالک بن حارث از قبیله مذحج است پس سخنش را بشنوید و فرمانش را در آنچه با حق مطابقت دارد اطاعت کنید. فَإِنَّهُ سَيُفِّ مِنْ سُيُوفِ اللَّهِ؛ زیرا او شمشیری از شمشیرهای خدا است که تیزی آن کند نشود و ضربتش بی اثر نباشد.

آری مالک سیف الله المسلول بود که با شمشیر آتش بار خود خرمن هستی منافقین را خاکستر مینمود و مقام شامخی داشت که علی (علیه السلام) درباره اش فرمود: لَقَدْ كَانَ لِي مِثْلُ مَا كُنْتُ لِرَسُولِ اللَّهِ؛ یعنی مالک برای من چنان بود که من نسبت بر رسول خدا بودم اگر باین کلام امام توجه دقیق شود آن وقت میزان عظمت و علو منزلت مالک روشن میگردد.

ابن ابی الحدید در شرح نهج البلاغه میگوید: اگر کسی سوگند یاد کند که خدای تعالی در میان عرب و عجم کسی را مانند مالک خلق نکرده است مگر استادش علی بن ابی طالب را گمان نمیکنم که در سوگند خود گناهی کرده باشد زندگی مالک اهل شام و مرگ وی اهل عراق را پریشان نمود. ختم این مختصر از زندگانی مالک با این جمله جالب به نظر می رسد که بر اساس آنچه از بزرگان مذهب رسیده است:

مالک اشتر کسی است که به هنگام ظهور حضرت ولی عصر (عج) زنده می شود و در رکاب حضرتش جنگ خواهد کرد.

منابع:

فرهنگ فارسی (اعلام) اثر مرحوم دکتر محمد معین

نهج البلاغه ترجمه

مظفر، عبدالواحد، مالک، اشتر

ذاکری، علی اکبر، سیمای کارگزاران علی (علیه السلام)، انتشارات اسلامی قم.

شیخ صدوق، الخصال، تحقیق علی اکبر غفاری صفت، دفتر انتشارات اسلامی قم.

امین، سیدمحسن، اعیان الشیعه، تحقیق حسن امین، ج 5، دارالتعارف، بیروت.

لغتنامه دهخدا و نهج البلاغه / اعلام زرکلی ج 3، ص 828.

امین، سید محسن، اعیان الشیعه، تحقیق حسن امین، ج 6، دارالتعارف، بیروت

علامه امینی، الغدیر، دارالکتاب العربی، بیروت

نهج البلاغه، سیدرضی، تحقیق صبحی صلاح، بیروت

مجلسی، محمدباقر، بحارالانوار، ج 5، ص 60

شیخ صدوق، الخصال، تحقیق علی اکبر غفاری صفت، دفتر انتشارات اسلامی، قم